

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور صلاح الدین سعیدی – سعیدافغانی
۱۶/۴/۲۰۱۰

اطلاعیه غیر موجه، بی جا و سیاسی لوی څارنوالی افغانستان

با تأسف و تائر به تاریخ ۱۵/۴/۲۰۱۰ اطلاعیه لوی څارنوالی افغانستان را در سایت وزین افغان جرمن آنلاین مطالعه کردم . تعجب و تأسف من آنقدر زیاد نبود بخاطریکه ما در افغانستان در بیشتر از سه دهه اخیر و گذشته آنقدر مطالب بی هوده ، غیر موجه، نامناسب، غیر قانونی و غیر انسانی دیده، خوانده و شنیده ایم که اطلاعیه فوق و اعمال مشابه برای من نورمال جلوه میکند.

ما چرا بیشتر به ده‌ا‌خیر در افغانستان متمرکزیم. اولاً اینکه به شیر ریخته شده گریه مفاد ندارد. دوم اینکه در ده‌ا‌خیر فرصت های طلایی رسیدن مردم افغانستان به آرمان های تاریخی شان به هدر رفت و می‌رود. در اطلاعیه لوی څارنوالی افغانستان آمده: لوی څارنوالی طبق وعده [ای] که به هموطنان عزیز داده بود اعلام میدارد: اشخاص آتی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ کاندید ریاست جمهوری بود اما خلاف تعهد کمتر از ده هزار رأی حاصل نموده اند:

لست و اسما ۱۶ تن کاندید ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان و فیصدی آراء شان.
این اشخاص باید در ظرف ده روز به څارنوالی حاضر شوند در غیر آن توسط موظفین پولیس جلب و احضار خواهند شد.
ختم
ملاحظات:

سند فوق که صورت به صورت فورمال از مرجع قانونی دولت اسلامی افغانستان صادر شده اما ادبیات و افاده های غیر دقیق و غیر پروتوکولی و بنا بر توضیح معین غیر قانونی دارد. تهیه کننده آنرا کدام شخصی میدانم که به مسایل حقوقی، قانونی و پروتوکل های دیپلوماسی یک کشور آگاهی ندارد. به طور مثال نام افغانستان مکمل (دولت جمهوری اسلامی افغانستان) نام څارنوالی و مطالب چندی دیگری که حتی در نیم صفحه متن اطلاعیه غیر دقیق، نادرست و غیر مسؤولانه ذکر و افاده شد.

در ابتداء اطلاعیه آمده (... لوی څارنوالی طبق وعده [ای] که به هموطنان عزیز داده بود). حد اقل جای تأسف و تائر است که لوی څارنوالی افغانستان اجرای وظیفه خویش را به اساس تعهد قانون و ادای وظیفه قانونی و وظیفه نی خویش بلکه به اساس تعهد به ... اجرا میدارد. این مسؤولیت قانونی آنها است که از تطبیق و نظارت بر تطبیق قانون نه به خاطر مطبوعات و سیاسی بلکه براین که تطبیق قانون که ملت از طریق نماینده های خویش (پارلمان) تعیین و مقرر نموده باید اقدام بدارند. اما څارنوالی این را سیاسی میسازد.

مردم افغانستان منتظر این بودند که متخلفین صریح از قانون اساسی، قانون انتخابات و دیگر قوانین نافذ کشور را که آنقدر زیاد و صریح است به محاکمه و باز پرس بکشند. نه اینکه این اقتضاح دیگر (بعدا تشریح خواهم کرد) را مرتکب شوند. بلی افغانستان شاید به قحط الرجال مواجه است و یا

جای تعجب و تأسف است که در هفته گذشته در تلویزیون ملی افغانستان در رابطه به نشر تیلفون های لوی څارنوالی افغانستان مبنی بر اینکه در صورت دیدن و تخلف به تیلفون های تماس بگیرد در یک صحبت نطق وگرداننده پروگرام تلویزیون ملی به نام و از جانب لوی څارنوالی وعده میدهد که شما تماس بگیرید که حتمی اجراءات صورت میگیرد. این است وظیفه یک تلویزیون و وسایل اطلاعات جمعی کشور. در مورد نوشته مفصل داشتم. یکبار دیگر تأکید دارم تا تعاریف جدید باید از برنامه های تلویزیونی و رادیویی، نطق و گرداننده برنامه تلویزیونی و دیگر کادر های مصروف به شمول روشن ساختن پالیسی نشراتی ترتیب و به منصفه اجرا ء قرار گیرد.

جای تعجب و تأسف است که مثلاً مرجع عدلی و قضایی در سطح تلویزیون اعلام میدارد که احمد متهم به قتل است و ما پسر کاکای وی را دستگیر و زندانی (منظورش توقیف بود اما زندانی میگوید) کرده ایم تا متهم به قتل احمد را دستگیر نمایم. گناه من زندانی این است که پسر کاکای شخصی هستم که به قتل متهم است- میباید.

شخص بلند پایه و تاپ قضایی اظهار میدارد که ما دساتیر صادر کرده ایم که در قضایای جزایی - جنایی که مسایل توقیفی دارد باید به صورت مقدم رسیدگی شود. باز هم جای تأسف است که چیزی را که قانون کاملاً صراحت دارد شخص بلند پایه قضایی آنرا به دساتیر و هدایات حل و فصل میکند و در نتیجه حد اقل این بی کفایتی هزار ها انسان بی گناه و یا هم با گناه در زندان های رسمی و غیر رسمی در افغانستان و خارج از آن بدون مجوز قانونی به سر میبرند.

ای وای به رسالت چنین تلویزیون و ای وای به حال نطق تلویزیون که تا حال وظیفاً خویش را نشناخته.

ای وای به حال مردم ما که چنین مسؤلین عدلی و قضایی و سیاسی داشته باشند. از خود میپرسم آیا ما واقعا به قحط الرجال مواجه ایم؟ اقتضاح بر اقتضاح، تخلف بر تخلف و جنایت بر جنایت.

سخن طولانی نشود و مستقیم به اصل موضوع:

من کاندید ریاست جمهوری افغانستان در انتخابات ۱۳۸۸ هستم و به اساس این اطلاعیه سیاسی به خانونالی مراجعه کردم. بعد از مراحل فورمال س.ع.ال و جواب آغاز گردید:

سؤال: محترم میتواند خود را معرفی کنید، کارت هویت و سند تثبیت هویت ارائه بدارید؟

جواب: بلی نام من تذکره و کارت هویت ندارم من مشخصات خویش را میگویم شما در ثبت و احوال نفوس با تخنیک هایی که دارید هویت من را تثبیت کنید.

کمک های زیاد از جهان بدست آورده اید که میتوانستید تخنیک کافی برای ثبت احوال نفوس و سایر مسایل ضروری و انکشاف اقتصادی کشور روی کار نماید.

در قریه ام جنگ است. خانه من بمباردمان شده و شاید اسنادم سوخته و یا امکان رفتن به آنجا را ندارم. آیا شما خود منحبث اداره دولتی میتوانید هویت من را تثبیت کنید من آماده همکاری ام. برادرم با من چهره مشابه دارد وی در مواردی میتواند عوض من اشتباهی گرفته شود.

توصیه مستنطق: محترم لطفاً از مسایل اضافی صحبت نکنید به جواب سؤال مشخص جواب مشخص ارائه کنید. در مقابل سؤال نکنید. اینجامنم که سؤال میدهم نه شما.

سؤال: خوب شما اقرار میدارید که شما ... ولد... ساکن الاصل... متولد... کاندید ریاست جمهوری ۱۳۸۸ افغانستان بودید؟..... جواب: بلی

سؤال و جواب های دیگر

سؤال: چرا در حین تقدیم درخواست کاندید شدن خویش به پست ریاست جمهوری افغانستان در انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری صد هزار (هصد هزار....) امضاء بدست آوردید و برای ما با دیگر اسناد لازم سپردید. در حالیکه در انتخابات ریاست جمهوری و نتایج حاصله آن صرف سه فیصد حتی همان آنچه را در سند اولی برای موجه شدن کاندیدی ریاست جمهوری خویش تقدیم کردید به دست نیاوردید؟

جواب: در رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ کشور ما افغانستان خلاف اراده و ارمان مردم ما تقلب صورت گرفت و رأی که برایم داده شده بود و مورد اعتماد مردم قرار گرفته بودم به سرقت برده شد. همچنان بخشی از آراء داده شده به من فسخ و به عکس اسناد و فورمه های دیگر ساخته شده و به تعداد رأی دهندگان و در موارد بیشتر از تعداد رأی دهندگان و یا در مواردی اصلاً انتخابات صورت نگرفته و رأی تقلبی به صندوق جناب "کرجی" ریختانده شد. اینکه آقای "کرجی" از جریانات این تقلب و این دزدیدن رأی تقلبی و یا دیگر کاندیدان ازین تقلب شخصاً آگاهی داشتند و یا امر کرده بودند و یا نه این را شما معلوم کنید. اما رأی که برای من داده شده بود به صندوق دیگر با ساختن و خانه پری کردن فورمه های دیگر ریختانده شد. تعداد چاپ شده فورمه های انتخابات را کسی کنترل نکرده و من به کمیسیون مستقل (!) انتخابات بی باورم.

از جانب دیگر بخشی از رأی که در ابتداء جمع آوری کردم از افغانهایی بود که در زندان قندهار بسر میبردند. حین رأی گیری مدیر زندان با رئیس شورای ولایتی قندهار توافق و زد و بند داشت و حتی رأی که من از همانجا بدست آورده بودم دست خورد و فورمه های جعلی به صندوق بابا "کرجی" ریخته شد. بخشی از کسانی که برای من رأی داده بودن در ولسوالی چمتله زندگی میکنند و در آن جا حرکت طالب مسلط است که بینی و گوش یکی دوتا از کسانی را که به من رأی داده بودند هم بریدند و دولت امنیت شان را گرفته نتوانست لذا در انتخابات رأی بدست آورده نتوانستم.

به علاوه دیگر مطابق قانون نادرست و بی کفایت که از جانب مراجع بی کفایت پیشکش و به منصفه اجراء گذاشته شده بود، انتخابات به موقع به اثر بی کفایتی مراجع مسؤل به وقت و زمان معین اجراء نشد، عده زیادی از کاندیدان عمده به مضیقه زمانی مواجه ساخته شدند.

برای عده ای از کاندیدان ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در افغانستان موانع و مطالبات غیر قانونی مطرح گردید و شما چرا ازین مسایل تحقیق نمی کنید؟

مثلاً برای کاندید گفته شد که شما سند بیاورید که شما تابعیت این و یا آن کشور دیگر را ندارید. اصل بی گناهی است. اصل پاکی است. اصل خوبی است. اگر مرجع عدلی و قضایی کسی را توقیف و متهم میسازد. اگر مرجع اداری و دولتی ادعائی

دارد باید آنرا مستدل سازد. عین استدلال که در مورد تابعیت خارجی احمد مطرح است در مورد داشتن تابعیت خارجی محمود ویا حامد نیز مطرح است. مثلاً شخص متهم مکلفیت ندارد که بی گناهی خویش را ثابت سازد. اینکه من آدمم و گفتم که من افغان و کاندید و کمیسیون مستقل (نامستقل انتخابات) حق نداشت من را به سفارت این و یا آن اعزام بدارد که من عدم تابعیت خویش را ازین و یا آن کشور ثابت بسازم. چرا به مراجع در حدود کم و بیش ۱۹۵ کشور جهان اعزام نشدم که سند بیاورم. این مطالبه غلط، غیر عملی و نادرست و این قبولی هم غلط است. از جانب دیگر به یقین گفته میتوانم که همین حالا عده زیاد در سطوح بالا و مراجعی که مطابق به قانون نایکار باید صرف و صرف تابعیت افغانی داشته باشند - ندارند. آیا شما فکر میکنید که شخصی که بیش از دو دهه در امریکا مصروف کار رستوران بود تابعیت امریکایی ندارد؟ (کار به ذات خود شرم و طعن نیست و منظور من هم این نیست- بهترین افراد دانشمند در طول تاریخ به شمول پیامبران و دانشمندان عصر جدید مصروف کار های فزیک و عادی بودند- الکاسب حبیب الله) خود را بازی میدهیم یا دیگران را؟ و این تابعیت. آیا بخاطر مشکل سفر و مشکلات روزمره با گرفتن ورق و سند میتوان شخصیت عالم و فاضل و خدمت کار وطن را به همین یک ورق از خدمت به وطن محروم ساخت؟

توصیه مستنطق: لطفاً به سؤال مشخص جواب مشخص ارایه کنید و از تبصره های بی جا و بی ارتباط و سیاسی جلوگیری کنید!

توصیه و ملاحظه مقابل(کاندید انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری): شما مکلف هستید که همه آنچه را من در جواب ارایه میکنم پروتوکل کنید و این تحقیق یک تحقیق سیاسی است تا جنایی یا هم حد اقل تحت تاثیر مستقیم سیاسی است. سؤال: شما نام اسامی، نامه ها و امضاء هائی را که در لست و سند اولی جهت ثبت کاندیدتوری به خاطر اشتراک در انتخابات ریاست جمهوری به کمیسیون مستقل انتخابات سپرده اید به سؤال ذیل جواب بگوئید:

۱/ سند و تذکره سیدپادشاه وجود ندارد؟
۲/ اسامی سیدپادشاه که شما در لست آورده اید در قریه مذکور زندگی نمی کند. توضیح شما؟
۳/ اسامی گل احمد به زبان پشتو و دری نمی داند صرف به اردو صحبت میکند پاکستانی است و شما وی را افغانی گفته در لست خود شامل کرده اید؟

۴/ نام سید پادشا گل پاچا است؟ منظور شما کدام یک شان است؟
۵/ اسامی سیدپادشاه که شما در لست آورده اید در قریه مذکور زندگی نمی کند. توضیح شما؟

دهها و صد ها سؤال و جواب دیگر و دیگر به صورت لایتنهائی
جواب: "مستنطق صیب ایتر است که": شما گل گفتید. اولاً اسامی سیدپادشاه در همان قریه زندگی میکند اما مشهور نیست. پدرش در زمان جهاد به پاکستان رفته بود وی در همانجا کلان شده و زبان دری و پشتو را هم خوب نمی داند صرف اردو کپ میزنه و حالا نزد پدر کلان خود جان داد خان که هفته قبل وفات کرد زندگی میکرد و بخاطر اینکه امنیت خوب نبود واپس ناپدید شده و من میخواهم که سراغ وی را بگیرم اما وی مکلف به تبادل آدرس به من نیست. نامی که برای من گفت همین بود این جای تأسف است که اگر نام و آدرس خویش را غلط گفته تذکره ای که من را نشان داد چنین بود. اینکه تذکره اش جعلی باشد این کار را خوب نکرده. من و نماینده من را نام سیدپادشاه گفت. ادارات دولتی و ثبت احوال نفوس نیست که تثبیت هویت میکردیم همه کاندیدان به شمول کاندید حاکم از همین روش استفاده کرده که واقعا روش خوب و دقیق نیست. اما شما راه و چاره دیگر دارید؟ خوب نمی بود که دولت و سازمان ملل متحد برای کار اساسی و بنیادی مانند ثبت و احوال نفوس و احصایه کار میکرد؟

و
توصیه مستنطق: لطفاً خارج از موضوع صحبت نکنید؟

سؤال: چرا به کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات از تخلفات شکایت نکردید؟
جواب: دولت و کاندید دولتی فرصت ده سال و امکانات وسیع دولتی و مالی کمک های جهانی و داخلی را در اختیار داشت و دارد. من امکانات وسیع ندارم و نداشتم که در مورد رسیدگی به موقع می کردم. این وظیفه مسوولین و حکام و مراجع بین المللی نیز بود که در مورد اقدامات و تدابیر درست نموده و تدابیر قانونی جلوگیری کننده ازین تقلبات روی کار میشد که نشد. تخلف و مسوولیت افراد و مراجع و مسوولین دولتی و شخصی با نکردن کاری که باید مطابق به قانون میکرد و کردن کاری که باید مطابق به قانون نمی کرد - ظهور میکند. کمیسیون سازمان ملل متحد نیرو های امنیتی پاکستانی را در قتل بی نظیر بوتو بخاطر نگرفتن امنیت و نکردن کاری که باید میکردند مسوول شناخت که محاکم پاکستانی و یا بین المللی باید به آن رسیدگی نمایند.

کمیسیون مستقل انتخابات مستقل نیست. افراد و اشخاص مطرح نیست اما میکا نیزم انتخاب افراد و اشخاص در کمیسیون مستقل انتخابات تضمین استقلال این کمیسیون نیست.

برای عین سیستم و بدتر از آن همین حالا کار صورت میگیرد.
از جانب دیگر سمع شکایات کار کمیسیون مستقل انتخابات نیست این کار کمیسیون سمع شکایات است. آنچه رئیس کمیسیون مستقل انتخابات میگوید که عدم امکان سبکدوشی عضو کمیسیون مستقل انتخابات تضمین کنند استقلال و بی طرفی وی است نیز بی اساس است. اولاً ما افغانها نمک حرام نیستیم که کسی ما را از کدام گوشه به اساس روابط شخصی و غیر ستندرد و فرمایشی دریافت و به پست معین دولتی و یا هم سیاسی مقرر کرد باز به ضد ولی نعمت کدام کار کنیم. این به شأن ما نمی زیبد. دوم اینکه افراد و اشخاص مطرح نیست بلکه سیستم انتخاب و انتصاب افراد درین بخش تضمین کننده استقلال نیست. سوم چطور شد که همان کسی که قابل سبکدوشی نبود به شمول رئیس همین کمیسیون نامستقل درین اواخر سبکدوش ساخته شدند. عجب نیست؟

توصیه مستنطق: لطفاً به سؤال مشخص جواب مشخص ارایه کنید و از تبصره های بی جا و بی ارتباط و سیاسی جلوگیری کنید!

توصیه و ملاحظه مقابل(کاندید انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری): شما مکلف هستید که همه آنچه را من در جواب ارایه میکنم پروتوکل کنید و این تحقیق یک تحقیق سیاسی است تا جنایی یا هم حد اقل تحت تأثیر مستقیم سیاسی است.

.....

خوب تحقیق شما خلاص شد اگر چیزی دیگر برای گفتن ندارید منتظر جواب باشید.
جواب مقابل(مشکوک و یا هم متهم – با وجود اینکه تا حال اتهام اعلام نه شده و متهم هم نیست)
بلی گفتنی دارم محترم مستنطق گرامی من سه صد و شصت تن از مردم افغانستان، ناظران اروپایی و معاون نماینده سازمان ملل متحد و را شاهد دارم که ادعا های من را تأیید و تصدیق میدارند. آنها درین مورد و در تثبیت ادعای من شاهد من اند باید آنها استماع گردیده و شهادت شان نیز گرفته شود.

من میگویم مسؤولیت اخلاقی، ایمانی، سیاسی و جزایی را باید تفکیک کرد. حد اکثر چیزی که ممکن بود درین راستا با لست و نتایج آراء بدست آمده باید از جانب کمیسیون مستقل؟! انتخابات نشر و به مطبوعات داده میشد و بس.

قوانین خوب باید راه هائی را جستجو کند که ازین حالات ما را بکشد. به فهم من این حالت و تعدد کاندیدان به نفع و سازمان دهی کاندید حاکم بود تا کاندیدانی که ریاست جمهوری که بیشتر امکان داشتن بی اهمیت جلوه داده و این اشخاص را به نفع خویش استعمال کند که این تدبیر شان موفق هم بود.

در اخیر انتخابات ریاست جمهوری دور اول با تقلب اعلام شد. انتخابات دور دوم تدویر نیافت. جناب لودین رئیس کمیسیون مستقل(!؟) انتخابات کاندید حاکم را به حیث برنده انتخابات به استناد ماده ای که متعلق به ظهور کمیسیون مستقل انتخابات است برنده اعلان کرد و ما باید برای حفظ منافع علیای کشور و امر صلح و ارزش های دیگر و استقرار و این را قبول کنیم. ای عجب!

توصیه مستنطق: "جناب کاندید صیب!" من مستنطقم و وظیفه دارم که مسأله و کیس جنایی شما را تحقیق کنم به بررسی تخلفات دیگر شخص من درین ساعت سروکار ندارم. به کارهای سیاسی کاری ندارم. لطفاً به سؤال مشخص جواب مشخص ارایه کنید و از تبصره های بی جا و بی ارتباط و سیاسی جلوگیری کنید! من از وقوع و عدم وقوع عمل جرمی توسط شخص فزیکتی تحقیق دارم. من را به جناب دیگر و جواب گفتن به عوض کسی دیگر نگشایید.

توصیه و ملاحظه مقابل(کاندید انتخابات ۱۳۸۸ ریاست جمهوری): من شخص سیاسی ام. این محاکمه سیاسی است. شما مکلف هستید که همه آنچه را من در جواب ارایه میکنم پروتوکل کنید و این تحقیق یک تحقیق سیاسی است تا جنایی یا هم حد اقل تحت تأثیر مستقیم سیاسی است. من هم قوانین نابکار و عدم موجودیت اراده سیاسی برای تطبیق قانون شکایت دارم. اما عوض من باید اراده سیاسی مسایل و افراد متخلف اصلی را به باز پرسی بکشند.

خارنوال صاحب شما در توصیه خود به من گفتید که حالا از موضوع من صحبت و تحقیق دارید. یعنی اینکه متخلفین اصلی و متخلفینی که از آنها نام بردم هم تحقیق صورت خواهد گرفت.

مستنطق: از من سؤال نکنید برای سؤال کردن من هستم و ممکن تاریخ و یا هم در حیات ما چیزی مشابه واقع شود من این را نمی دانم

مستنطق: به اساس ماده شما متهم به تقلب و بخاطر اینکه شما از عدالت فرار نکنید خارنوالی امر توقیف شما را صادر و به توقیف انتقال داده خواهید شد. محترم متهم جناب کاندید صاحب شما میتوانید همین حالا و یا هم در ظرف ۷۲ ساعت به توقیف خویش اعتراض خویش را به محکمه از طریق ما ارسال و بسپارید. محکمه در ظرف مدت (عملاً یکی دوسال!) موضوع توقیف شما را مورد رسیدگی خواهد. تا آن زمان در مورد اصل قضیه و استماع شهود شما نیز اجراءات صورت خواهد گرفت..... توقیف.

جناب مستنطق: به زندان فرستادن من همین حالا به معنای اثبات جرم من است و مرا فعه طلبی من همین حالا در مورد عدم قبول جرم و یا عدم قبول زندانی شدن من است؟ مدت زندانی شدن من حالا چقدر طولانی خواهد بود.

جواب مستنطق: "کاندید صیب" شما زیاد سؤال میکنید. من گفتم که توقیف شما به معنای اثبات جرم شما نیست. این را باید، محکمه نهایی بسازد. توقیف شما عمل تدبیری بخاطر امکان فرار شما از عدالت است. مدت توقیف در قانون معلوم است اما در عمل نی. شما مردم معینی را به قهر ساخته اید.

مستنطق – "کاندید صیب": میتوانم یک گپ و سفارش شخصی به شما خارج از پروتوکل و رسمیات داشته باشم. کاندید: بلی بفرمایید. من به شما شخصا کدام مشکل ندارم این سیستم است که شما را به یک طرف و من را به طرف دیگر میز نشاند.

مستنطق: "کاندید صیب": در کار های حکومتی دست نز نید و قاطران حکومتی را تور ندهید که عواقب بد دارد.

کاندید: نفهمیدم

مستنطق: خواهید فهمید.

سوالات و جوابات و پرسه های بی پایان که به نفع هیچ کس نیست.

خوانندگان گرامی و افغانان عزیز این است وضع و این است حالت! اینکه قاضی و سخن آخری را کی خواهد داشت و این قاضی را کی و چه وقت تعیین خواهد نمود؟ نقش سازمان های بین المللی درین راستا چه خواهد بود و چه برنامه در عقب این مسائل نهفته است من فعلاً به جواب دقیق آن قادر نیستم اما تصور خویش را دارم. مسلماً این چنین تدابیر و تحقیقات را در چوکات پارلمان یک کشور قابل پیش بینی میدانم اما در سطح خارنوالی افغانستان و کسانیکه از دیموکراسی و نهادینه کردن انستیتوت های دیموکراسی سخن میزنند با تمام خوش طبعی یک مضحکه و فشار سیاسی چیری دیگری نیست و به چیزی دیگر نخواهد انجامید.

مسئولین امور!
لطفاً به این پروسه های سیاسی خاتمه دهید و خود را بیشتر ازین مفتضح نسازید.

الهی به حال مردم بی گناه و بلاکشیده ما رحم کن تا از شر این افراد بی کفایت و ظالم رهایی یابند. نمی دانم چه چیزی دیگر میتوانیم بگوییم. اینها به اثر بی کفایتی و شقاوت هم خود، هم ملت و هم جامعه جهانی را به منجلاب فرو خواهند برد.
و ما علینا الی البلاغ المبین